





دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد حقوق بشر

عنوان:

حقوق اشخاص نابینا و کم بینا در اسناد بین‌المللی
حقوق بشری و قوانین موضوعه‌ی ایران

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد حسین زارعی

استاد مشاور:

آقای دکتر سید قاسم زمانی

دانشجو:

شهره طبیبیان

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم بہ:

عزیز ترینم عمومی بزرگوارم دکترا منوچہر طیبیان

و

روح پاک زن عمومی عزیزم لوئیساماریا والینتو

بانشکر:

از زحمات بی دریغ استاد گرامی جناب آقای دکتر محمد حسین زارعی به پاس راهنمائی های پدرانه و

دلسوزانه ی ایشان در طول نگارش این پایان نامه

بهچنین باسپاس از زحمات استاد مشاور گرامی جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی

که صبورانه مراد این مسیر همراهی کردند

و در ادامه لازم می دانم که از استاد داور گرامی جناب آقای دکتر ناصر علی منصوریان که قبول
زحمت داوری پایان نامه ی اینجانب را بر عهده داشتند، نهایت تشکر و قدردانی خویش را ابراز دارم

در پایان لازم میدانم که:

از پدر و مادر نازنینم نهایت تشکر و قدردانی خود را به پاس بیست و شش سال زحمت بی دریغ ابراز

نمایم. به امید روزی که بتوانم سرفرازشان کنم

چکیده:

حضور افراد دارای معلولیت با انواع معلولیت‌ها من جمله اشخاص نابینا و کم بینا از دیرباز تا کنون حقیقتی لاینفک در طول حیات تمامی جوامع بشری از دیرباز تا کنون بوده است. چیزی که در بستر زمان از گذشته تا امروز دستخوش تغییر شده است، نگرش حاکم جوامع انسانی با این مقوله بوده است. امروزه بهره‌مندی معلولین بالاخص اشخاص نابینا و کم بینا در حیات اجتماعی خود از حقوق انسانی مسلم‌هی خویش امری بدیهی و پذیرفته شده است، از اینروست که در این جستار سعی بر آن شده است که به بررسی حقوق اشخاص نابینا و کم بینا در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قوانین موضوعه‌ی ایران پرداخته شود و بدین پرسشها پاسخ داده شود که حقوق اشخاص نابینا و کم بینا در اسناد بین‌المللی و قوانین موضوعه‌ی ایران چیست؟ و پاسخ به این نکته که مشکلات و موانع پیشرو در شناسائی حقوق اشخاص نابینا و کم بینا چیست؟

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: مفاهیم، مبانی نظری و منابع حمایت از اشخاص نابینا و کم بینا	۶
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۸
گفتار اول: تعریف مفهوم اشخاص نابینا و کم بینا	۸
بند اول: تعریف اشخاص دارای معلولیت در اسناد بین‌المللی	۸
بند دوم: تعریف اشخاص نابینا و کم بینا	۱۲
گفتار دوم: مفاهیم تبعیض و تبعیض مثبت به نفع اشخاص نابینا و کم بینا	۱۵
بنداول: اصل برابری	۱۵
بند دوم: اصل عدم تبعیض	۱۷
بند سوم: تبعیض	۱۸
بند چهارم: تبعیض مثبت	۱۹
بند پنجم: تبعیض مثبت و اشخاص نابینا و کم بینا	۲۰
فصل دوم: مبانی نظری و منابع حمایتگر از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا	۲۵
گفتار اول: مبانی نظری حمایت از اشخاص نابینا و کم بینا	۲۵
گفتار دوم: منابع حقوق بین‌المللی بشر و قوانین داخلی در حمایت از اشخاص نابینا و کم بینا	۳۱
بنداول: منابع حقوق بین‌المللی بشر	۳۲
الف: اسناد بین‌المللی جهانی	۳۲
(۱) کنوانسیون حقوق کودک:	۳۳
(۲) اعلامیه حقوق معلولان:	۳۳
(۳) برنامه‌ی اقدام جهانی برای معلولان:	۳۴
(۴) قوعد استاندارد و برابر سازی فرصت‌ها برای معلولان:	۳۶
(۵) کنوانسیون حقوق معلولان و پروتکل اختیاری آن:	۳۷
ب) اسناد بین‌المللی منطقه‌ای:	۴۰
(۱) اقدامات ارکان و سازمان‌های کشورهای اروپائی:	۴۰
(۲) اقدامات ارکان و سازمان‌های کشورهای آمریکائی:	۴۳
بنددوم: منابع حقوق داخلی در حمایت از اشخاص نابینا و کم بینا	۴۴

بخش دوم: مهمترین حق‌های اشخاص نابینا و کم بینا در نظام بین‌المللی حقوق بشری و ارزیابی موردی آن در حقوق ایران.....	۵۰
فصل اول: مهمترین حق‌های اشخاص نابینا و کم بینا.....	۵۳
گفتار اول: حق بر آموزش و پرورش با امکانات ویژه:.....	۵۳
بند اول: حق بر آموزش اشخاص نابینا و کم بینا در اسناد بین‌المللی:.....	۶۱
بند دوم: حق بر آموزش اشخاص نابینا و کم بینا در قوانین و مقررات داخلی ایران:.....	۶۲
گفتار دوم: حق بر اشتغال اشخاص نابینا و کم‌بینا.....	۶۶
گفتار سوم: حق بر معماری شهری مناسب.....	۷۴
فصل دوم: موانع موجود بر سر راه اشخاص نابینا و کم بینا و سازکارهای حمایتی از حقوق این اشخاص.....	۸۴
گفتار اول: موانع موجود بر سر راه اشخاص نابینا و کم بینا.....	۸۴
بند اول: موانع نهادی و ساختاری.....	۸۴
بند دوم: موانع ذهنی.....	۸۸
بند سوم: موانع هنجاری.....	۹۷
گفتار دوم: سازوکارهای حمایتی از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا در نظام حقوق بین‌الملل و قوانین برخی از کشورها:.....	۱۰۱
بند اول: سازوکارهای حمایتی از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا در نظام حقوق بین‌الملل:.....	۱۰۲
بند دوم: بررسی پاره‌ای از قوانین، رویه‌ها و آراء کشورهای انگلستان و آمریکا:.....	۱۰۵
الف: آمریکا.....	۱۰۶
ب: انگلستان.....	۱۱۴
نتیجه‌گیری:.....	۱۱۹

مقدمه

ناتوانی و معلولیت در همیشگی تاریخ با سرنوشت بشر عجین بوده است بنابراین مقوله‌ی معلولیت اشخاص نابینا و کم بینا، مسائل و مشکلات خاص آنها امری جدید و نوظهور نیست. در طول تاریخ تمدن بشری برخورد جوامع و زمامداران جوامع در قبال اشخاص دارای معلولیت با توجه به دوره‌های زمانی مختلف و از هر کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده است. به عنوان مثال مصریان باستان از جمله اولین گروه از جوامع بشری بودند که نسبت به معلولان و زندگی آنان علاقه نشان دادند. در نوشته‌های قدیمی مصر (۱۵۵۰ قبل از میلاد) توصیه‌ها، دستورالعمل‌های پزشکی و سحر و جادوهایی برای درمان بسیاری از بیماری‌ها آمده است. در این اسناد تاریخی مطالبی نیز برای درمان عقب ماندگی ذهنی، صرع، نابینائی و ناشنوائی ذکر شده‌اند. مصریان نه تنها به شناخت عوامل ایجاد کننده معلولیت و درمان آنها علاقه مند بودند، بلکه وضعیت رفاه شخصی و اجتماعی افراد معلول را نیز بررسی می‌کردند. آنان به نابینایان موسیقی آموزش می‌دادند، بطوریکه بسیاری از شاعران و نوازندگان در آن زمان نابینا بودند. معه‌ذا روی دیگر سکه یعنی نگرش حذف معلولان نیز در بسیاری از جوامع حاکم بود. رومیان و یونانیان بر این عقیده بودند که یک جامعه پویا و زنده از توان بالقوه شهروندان نشأت می‌گیرد. آن‌ها قوانینی تصویب کردند که بر اساس آن افرادی که قادر به برتری در جامعه نبودند و نمی‌توانستند به ارتقای سطح جامعه‌ی خویش کمک کنند در اولین فرصت باید حذف شوند.^۱

اما در عصر حاضر که بر طبق آخرین آمار سازمان بهداشت جهانی معلولین جمعیتی

1- نباتی، نگار؛ حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۰.

بالغ بر یک بلیون نفر از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند^۱ و حدود دو سوم از این اشخاص در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند؛ امر کمی متفاوت‌تر شده است، چرا که دیگر امروزه ارتباط مستقیم بین معلولیت و معضلات اجتماعی چون فقر و بی‌سوادی و بیکاری محرز شده است بطوریکه امروزه شاهد تغییر نگرش در قبال معلولین هستیم. این جریان از دو دهه‌ی پیش شروع شده با این تفاوت نگرش که دیگر امروزه به اشخاص دارای معلولیت به عنوان تابع نگریسته نمی‌شود بلکه به عنوان موضوع نگریسته می‌شود؛ بدین معنا که به آنها دیگر به چشم یک معضل نمی‌نگرند بلکه به آنان عنوان دارندگان حقوق مختلفه نگاه می‌کنند.^۲ تبلور چنین نگرشی را می‌توان در اعلامیه‌ی حقوق اشخاص معلول، نامگذاری سال ۱۹۸۱ به عنوان سال بین‌المللی اشخاص معلول با موضوع محوری «مشارکت و برابری کامل»، برنامه دستور کار جهانی در رابطه با اشخاص معلول مصوب ۱۹۸۲، قواعد برابر ساختن فرصت‌های اشخاص معلول مصوب ۱۹۹۳، توصیه‌ی نامه‌ی شماره‌ی ۹۹ سازمان بین‌المللی کار در رابطه با توانمندی و توانبخشی شغلی افراد معلول در سال ۱۹۵۵، توصیه‌ی نامه‌ی ۱۹۵ سازمان بین‌المللی کار در رابطه با ارج نهادن به منابع انسانی برای ارتقاء و بویژه تحصیل و آموزش در تمام طول حیات اشخاص معلول در سال ۲۰۰۴ و نهایتاً تصویب کنوانسیون حقوق اشخاص معلول در سال ۲۰۰۶، جستجو کرد.^۳

پس با توجه به مطالبی که در بالا اشاره کردیم، حتی اگر ۱۰ درصد از جمعیت ششصد و پنجاه میلیون معلولین را در سرتاسر جهان اشخاص نابینا و کم بینا تشکیل دهند، این اشخاص هم می‌توانند همانند سایر انسانها در وهله‌ی اول و همانند سایر معلولین در وهله‌ی دوم مورد حمایت قانونی اسناد حقوق بشری بین‌المللی و قوانین ملی کشور متبوع خویش قرار گیرند، چرا که اصولاً هر ضعفی که در انسان وجود داشته باشد می‌تواند او را از دستیابی به حقوق بشری‌اش محروم کند. پس بر آحاد کشورهای جهان بالأخص کشورهای که به عضویت

1 .www.WHO.int/disabilities/en, 12.sep.2012.

2 - Quinn, Gerard, Degener, Theresia; "Human Rights and Disability", United Nations Publication, 2002, p. 1

3- لطفی، محمدکاظم، کوثری، وحید؛ بسوی یک حقوق بین‌المللی واقعی برای معلولین، فصلنامه‌ی پژوهشی - تحلیلی و آموزشی مجد، سال پنجم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۰، ص ۸۳.

کنوانسیون حقوق معلولان درآمده‌اند، لازم است که دست به وضع قوانینی در سطح ملی بزنند که حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا را هرچه بهتر و بیشتر تضمین کنند و تأمین منتهای درجه‌ی مشارکت نابینایان و کم‌بینایان را در تمامی فعالیت‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهیه و تضمین کنند.

حمایت از حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا و بطور کلی معلولین امری گسترده است که تنها با وضع یک کنوانسیون و نامگذاری روزی با عنوان اشخاص معلول محقق نمی‌شود بلکه مشارکت و تلاش کلیه‌ی جوامع بشری را می‌طلبد؛ جوامعی که در قوانین داخلی خویش تدابیر حمایتی ویژه‌ای را بالأخص برای تحقق بهره‌مندی حق آموزش، حق اشتغال و مناسب سازی محیط شهری؛ را مدنظر قرار داده باشند تا این اشخاص هم بتوانند همچون اعضای دیگر جامعه در اجتماع حضور پیدا کنند و دست به مشارکت بزنند.

علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته هنوز هم کشورهای هستند که فاقد سیاست‌های مشخص حمایت از افراد دارای معلولیت می‌باشند و متأسفانه در اکثر این کشورها افراد دارای معلولیت دارای حقوق اجتماعی و سیاسی تضمین شده‌ای نیستند.

این تعهد جامعه‌ی بین‌المللی است که با تمام توان در جهت حمایت از حقوق و فرصت‌های برابر بخشی از جامعه بشریت که به علل مختلف دارای معلولیت هستند نه در حرف بلکه در عمل بکوشند؛ که یکی از مهمترین آنها تقویت فرهنگ حمایت از افراد دارای معلولیت و ایجاد نگرش عدم تبعیض در خانه و در جامعه است. تجلی تعهدات بین‌المللی در قالب اسناد حقوق بشری در جهت حمایت از حقوق معلولین بالأخص (نابینایان و کم‌بینایان)؛ بستر مناسب را برای تقویت این فرهنگ فراهم می‌سازد.

خوشبختانه کشور ما هم در راستای حمایت از اشخاص معلول دست به وضع قانون جامع حمایت از معلولین زده است. اما باید توجه داشت که تصویب قانون جامع حمایت از معلولین غایت نهائی برای حمایت از حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا نیست بلکه نقطه‌ی آغازی است برای توجه و اهتمام قانون‌گذار ایرانی که حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا را بطور خاص و مشخص مورد توجه خویش قرار دهد و قوانین یا حداقل قانونی را به حمایت ویژه از حقوق این اشخاص تخصیص دهد.

طرح مسئله و موضوع پژوهش

با بررسی آمارهای بین‌المللی و توجه به متجاوز از یک بلیون نفر معلول و ناتوان در سراسر جهان و افزایش چشم‌گیر این جمعیت، اهمیت توجه مراجع بین‌المللی حقوق بشر به حقوق این اشخاص امری کاملاً منطقی و معقول به نظر می‌رسد. بطوریکه حقوق بشر معاصر شاهد یکی از اساسی‌ترین تحولات گفتمانی و حمایتی خود در زمینه‌ی حقوق معلولان بوده است که همین امر موجب پیامدهای خیره‌کننده و بنیادینی در این زمینه بوده است. تصویب کنوانسیون مرتبط با حقوق اشخاص دارای معلولیت نقطه‌ی عطفی در تاریخ تمدن انسانی در گذر از (نگاه ترحم‌محورانه) به (رویکرد حق‌مدارانه) بوده است. اما آنچه که در گذر پرداختن به موضوع حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا در این پایان‌نامه مقصود است، جستجوی حقوق مغفول و فراموش‌شده‌ی این اشخاص در پرتوی اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین موضوعه‌ی ایران است.

پیشینه‌ی پژوهش موضوع

آنچه که در زمینه‌ی حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا در میان کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در این زمینه یافتیم، کلیاتی بود در زمینه‌ی حقوق معلولان و حقوق اشخاص دارای معلولیت، که به عنوان مثال می‌توان به کتاب حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر که توسط خانم نگار نباتی نوشته شده است و هم چنین به رساله‌ی آقای علی فرحی با عنوان حمایت از معلولان در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران اشاره کرد. متأسفانه در میان جستجوی بین کتب و رساله‌های حقوقی به کتاب یا رساله‌ای که اختصاص به حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا داشته باشد، یافت نگردید.

اهداف تحقیق

هدف از برگزیدن موضوع حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قوانین موضوعه‌ی ایران برای این رساله، در کنار علاقه‌ی شخصی نگارنده و رسالتی که در قبال اشخاص نابینا و کم‌بینا می‌پنداشته است؛ تازگی موضوع این پایان‌نامه در میان رساله‌های حقوقی بالاخص رساله‌های حقوق بشری بوده است. نواقص، کاستی‌ها و محدودیت‌هایی که در راستای حمایت از حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا در عمل چه در سطح جامعه‌ی جهانی و

چه در سطح ملی گریبان-گیر این اشخاص بوده است از دیگر انگیزه‌های نگارنده برای انتخاب موضوع این رساله بوده است.

سؤال یا سؤالات تحقیق

سوال اصلی: آیا ایران تعهدات بین‌المللی خود را، در زمینه‌ی حقوق معلولان (با رویکردی خاص به حقوق اشخاص نابینا و کم بینا) ایفا کرده است؟

سوال فرعی ۱. آیا اسناد بین‌المللی حقوق بشری از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا حمایت کرده اند؟

سوال فرعی ۲. آیا قوانین ایران به نحو شایسته‌ای از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا حمایت کرده است؟

پیش فرض های تحقیق

۱. اسناد بین‌المللی حقوق بشری از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا حمایت کرده است ولی این حمایت در پرتو حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت محقق می‌شود.
۲. قوانین موضوعه‌ی ایران از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا حمایت کرده است، ولی این حمایت‌ها کافی نبوده است و هنوز جای تلاش‌های فراوانی از سوی قانونگذار ایرانی در این زمینه وجود دارد.

روش تحقیق

روش بکار گرفته شده در این رساله روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی می‌باشد و روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

سازمان‌دهی تحقیق

این رساله در دو فصل کلی به رشته‌ی تحریر درآمده است. فصل اول این تحقیق سعی به بررسی مفاهیم بنیادین رساله که شامل مفهوم اشخاص نابینا و کم بینا، منابع و مبانی نظری حمایت از حقوق اشخاص نابینا و کم بینا داشته است و در فصل دوم این رساله به حق‌های خاص اشخاص نابینا و کم بینا در نظام بین‌المللی حقوق بشری و ارزیابی موردی آن در حقوق ایران پرداخته است، در ادامه‌ی این بخش به موانع پیش‌روی این اشخاص (موانع نهادی و ساختاری، ذهنی و اجتماعی، هنجاری) و سازوکارهای حمایتی از این اشخاص پرداخته شده است.

بخش اول:

مفاهیم، مبانی نظری و منابع حمایت از اشخاص نابینا و کم بینا

آنچه که در این بخش به عنوان اولین بخش از این پایان نامه بدان پرداخته خواهد شد مفاهیم، منابع و مبانی نظری حمایت از اشخاص نابینا و کم‌بینا است. در این بخش؛ تعریفی از فرد نابینا و کم‌بینا خواهیم داد و خواهیم دانست که کم‌بینایی^۱ یک کاهش بینائی دو طرفه است که، به میزان قابل ملاحظه‌ای عمل کرد بینایی فرد را مختل می‌سازد و نمی‌توان آن را با روش‌های متعارف پزشکی و جراحی و وسائل کمک بینائی معمولی مانند عینک یا لنزهای تماسی به میزان کافی اصلاح نمود.

نابینا فردی است که حدت بینائی وی کمتر از ۲۰/۴۰۰ باشد یا میزان بینائی در چشم با دید بهتر یا بهترین اصلاح ممکن است با حدت بینائی فوق هم‌خوانی داشته باشد، نابینا می‌باشد.

بعد از تعریفی که از فرد نابینا و کم‌بینا خواهیم داشت، در فصل دوم این فصل از مبانی نظری و منابع حمایت‌گر از حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا سخن خواهیم راند و خواهیم دانست که مبانی نظری حمایت از اشخاص نابینا و کم‌بینا چیزی به جز کرامت‌مندی همه‌ی آحاد بشریت من جمله معلولین و بالأخص اشخاص نابینا و کم‌بینا نیست. اشخاص نابینا و کم‌بینا هم محق این هستند که همانند سایر انسان‌ها از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برابر یا بهره‌مند شوند چرا که افراد نابینا و کم‌بینا هم در انسان بودن با سایر انسان‌ها برابرند و تفاوت جسمی - حرکتی که با سایر انسان‌ها دارند، مانع این نمی‌شود که از حقوق اولیه‌ی خود محروم گردند.

در ادامه‌ی این فصل از منابع بین‌المللی حقوق بشری (در سطح جهانی و منطقه‌ای) و قوانین داخلی ایران که به حمایت از حقوق اشخاص نابینا و کم‌بینا به پاخواسته‌اند، اشاره خواهیم کرد و متوجه خواهیم شد که حقوق این اشخاص را چه در سطح قوانین بین‌المللی و چه در سطح قوانین داخلی ایران باید در چارچوب حقوق افراد دارای معلولیت مطالبه کنیم.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

آنچه که در این فصل به عنوان اولین فصل از این پایان‌نامه بدان خواهیم پرداخت، تعریفی از کلیات، مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع پایان‌نامه از قبیل تعریف اشخاص دارای معلولیت در اسناد بین‌المللی، تعریف اشخاص نابینا و کم‌بینا و مفاهیم مرتبط با تبعیض و تبعیض مثبت به نفع اشخاص نابینا و کم‌بینا، خواهد بود.

گفتار اول: تعریف مفهوم اشخاص نابینا و کم‌بینا

با توجه به اینکه اشخاص نابینا و کم‌بینا خود جزئی از جامعه‌ی بزرگتری با عنوان اشخاص دارای معلولیت هستند و با عنایت به این نکته که اسناد بین‌المللی حقوق بشری به ندرت صراحتاً اسمی از اشخاص نابینا و کم‌بینا برده‌اند، بنابراین در ابتدا ناگزیر از بررسی تعریف اشخاص دارای معلولیت در اسناد بین‌المللی حقوق بشری هستیم تا به نفع آن‌ها بتوانیم تعریفی از اشخاص نابینا و کم‌بینا و حقوق آن‌ها داشته باشیم.

بند اول: تعریف اشخاص دارای معلولیت در اسناد بین‌المللی

کلمه‌ی معلول اسم مفعول از واژه علت است. به فردی که به هر علت دچار نارسائی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می‌گویند. در زبان‌های لاتین مانند فرانسه و انگلیسی از واژه‌ی «هندیکپ» استفاده می‌شود. اصطلاح هندیکپ^۱، نسبتاً جدید بوده و ریشه در زبان انگلیسی دارد. در اصل از عبارت (هند-ین-کپ) به معنای «دست در کلاه» ریشه گرفته است. این اصطلاح، در قرن هفدهم به نوعی بازی اطلاق می‌شد که شرکت‌کنندگان در آن بایکدیگر به رقابت می‌پرداختند. جایزه فرد برنده را داور تعیین می‌کرد و در کلاهی گذارده می‌شد. بعدها این اصطلاح در اسب سواری به کار برده شد و در ادامه، به طور کلی‌تری در ورزش مورد استفاده قرار گرفت. در این معنا، هندیکپ رقابتی است که در آن به تمامی شرکت‌کنندگان، بختی برابر برای برنده شدن از طریق گذاشتن باری سنگین بر دوش قویترین‌ها یا

1. Handicap

طی مسیر طولانی تری توسط آنان، اعطاء می‌شود. در واقع، این افراد قوی‌تر بودند که تغییری را می‌پذیرفتند تا آنکه رقابت، دارای معنای واقعی و جذاب شود. اندک اندک هندیکپ، به عنوان افرادی که از موهبتی محرومند، جا افتاد. به عبارت دیگر، به کسی اطلاق می‌شود که دچار نقص یا کاستی باشد. پس در مفهوم کنونی بدان معنا نیست که فرد معلول بهترین است و به خاطر اینکه به سطح سایرین برسد باید از توانائی‌اش کاسته شود. بر عکس، فردی است که توانائی‌اش از سطح دیگران پائین‌تر است.

معلولیت اصطلاحی است که از آن این معنا به ذهن خطور می‌کند: موقعیت‌های متعددی که علل آنها متفاوت بوده و دارای اثر واحدی هستند. در زبان متداول امروزی به عنوان نقصان، عدم سلامت، عدم توانائی، نابینائی، فلج بودن، جنون، قطع عضو، ناشنوائی لالی به کار می‌رود.^۱

الف) تعریف معلولیت در اعلامیه‌ی حقوق معلولین

اعلامیه‌ی حقوق معلولین مصوب سال ۱۹۵۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماده‌ی ۱ فرد معلول را چنین تعریف کرده است: «فرد معلول یعنی هر فردی که بصورت کامل یا ناقص به علت نقص مادرزادی یا غیرمادرزادی در توانائی‌های جسمی یا ذهنی قادر به رفع نیازهای یک زندگی عادی شخصی و یا اجتماعی نباشد».

ب) تعریف اشخاص دارای معلولیت در کنوانسیون حقوق معلولان

کنوانسیون حقوق معلولان؛ افراد دارای معلولیت را چنین تعریف می‌کند: «اصطلاح اشخاص دارای معلولیت؛ برای تمامی اشخاص بکار می‌رود که دارای نقایص طولانی مدت فیزیکی، ذهنی یا حسی بوده و در تعامل با موانع مختلف ممکن است از نظر مشارکت کامل و مؤثر براساس اصول مساوی با دیگران دچار تأخیر شوند»^۲.

از جمله نقدی که می‌توان به این تعریف وارد کرد این است که از منظر کنوانسیون معلولین، اشخاص دارای معلولیت ممکن است از نظر مشارکت مؤثر نسبت به دیگران دچار

1- مرادزاده، حسن؛ حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۹.

2. نباتی، نگار؛ پیشین، صص ۲۸-۲۷.

تأخیر شوند این در حالی است اشخاص نابینا و کم بینا و یا حتی دیگر معلولین با معلولیت‌های متفاوت تنها دچار تأخیر در مشکلات کامل و موثر نمی‌شوند بلکه ممکن است به خاطر همین نقایص طولانی مدت فیزیکی، ذهنی یا جسمی یا حسی به طور کامل از مشارکت کامل و موثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی باز بمانند و این متأسفانه یک اهمال فاحش در تعریف معلولین در کنوانسیون حقوق معلولان است که، نباید از نظر دور داشت.

ج) تعریف معلولیت در مصوبات سازمان جهانی بهداشت

معلولیت عبارتست از محرومیت و وضعیت نامناسب یک فرد که پیامد نقص و ناتوانی او است و مانع از انجام نقشی می‌شود که برای فرد با توجه به شرایط سنی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی‌اش انتظار می‌رود.

معلولیت ثمره‌ی ارتباط بین فرد دارای نقص و ناتوانی از یک طرف و شرایط اجتماعی محیط زندگی او از طرف دیگر، است. بطوری که بین این دو رابطه‌ای پویا وجود دارد و مداخله در یک زمینه می‌تواند در سایر عوامل مربوط تأثیر بگذارد. ۱ با توجه به تعریفی که سازمان بهداشت جهانی از حقوق معلولین داشته است به نظر می‌رسد که وارد کردن نقدی به این تعریف خالی از فایده نباشد و آن این است که، سازمان جهانی بهداشت متأسفانه معضلات و مشکلات فراروی معلولین را تنها از منظر اختلافاتی که ممکن است در راستای انجام تکالیفشان داشته باشند را مد نظر قرار داده است و متأسفانه صحبتی از حقوق انسانی که ممکن است معلولین به خاطر معلولیت خویش از دست بدهند، به میان نیاورده است و تنها به بیان این مطالب که معلولیت مانع از انجام نقشی می‌شود که برای فرد معلول انتظار می‌رود، بسنده کرده است.

به نظر می‌رسد که با توجه به تعاریفی که در بالا از تعریف اشخاص دارای معلولیت بدست آمد، بتوانیم معلولین را در ۳ گروه کلی به صورت زیر تقسیم کنیم:

۱. معلولان ذهنی - روانی

افرادی که در حیطه‌ی معلولان ذهنی- روانی قرار می‌گیرند که به جهاتی مبتلا به نارسائی و یا تأخیر در رشد توان ذهنی و مغزی شده باشند. این افراد ممکن است به دلایل مختلف ارثی و یا محیطی مبتلا به ناتوانی ذهنی و فکری شده باشند.

۲. معلولان جسمی - حرکتی

به گروهی از معلولان اطلاق می‌شود که مبتلا به ضایعات نخاعی و اختلالات جسمی و حرکتی شده باشند. بنابراین فرد نابینا یا کم‌بینا فردی است معلول مانند افرادی که دارای هرگونه نقص عضو، ضایعات نخاعی، ناهنجاری‌های اسکلتی، اختلالات بیولوژیکی و متابولیسمی،

1. نباتی، نگار؛ همان، ص ۳۲.

اختلالات بینائی، شنیداری و یا گفتاری و... می باشند.^۱ بنابر تعریفی که از معلولان جسمی و حرکتی در بالا آمده است نتیجه می‌گیریم که نابینایان و کم بینایان را می‌توان ذیل معلولان جسمی و حرکتی قرار دهیم، که این نابینائی و یا کم بینائی می‌تواند به علت نقص مادرزادی یا غیرمادرزادی از ناحیه بینائی که دچار آسیب حسی شده است، باشد.

امروزه اصطلاح نابینا در کاربرد نوین آن تنها به نابینائی مطلق که در آن فرد قادر به تمیز روشنائی از تاریکی نیست، بلکه شامل تمامی کسانی می‌شود که میزان حدت بینائیشان برای انجام فعالیت‌های عادی و روزمره که درانجام آنها بینائی ملاک است، ناکافی باشد و آنها را در مسیر انجام کارهایشان دچار مشکل کند، اطلاق می‌شود.^۲

۳. معلولان اجتماعی

معلولان اجتماعی اغلب شامل قشر طرد شده از جامعه مانند معتادان، بزهکاران، ولگردان، روسپیان، متکدیان، زندانی‌ها و... می‌باشند که بدلیل نداشتن شخصیت، جایگاه و روابط اجتماعی مانند دیگران، سرخورده شده و در انزوا به سر می‌برند. معلولان اجتماعی بر اثر مرور زمان اغلب به معلولیت‌های جسمی و ذهنی - روانی مبتلا می‌شوند.^۳

با عنایت به تعاریفی که از اشخاص دارای معلولیت داشتیم توانستیم به مفهومی کلی از اشخاص نابینا و کم‌بینا به عنوان عضوی از جامعه‌ی معلولین دست بیازیم اما آنچه که توضیح آن در این گفتار ضروری است؛ تعریفی مضیق از اشخاص نابینا و کم بینا ولو از دیدگاه پزشکی است.

بند دوم: تعریف اشخاص نابینا و کم بینا

بر طبق آخرین آمار سازمان بهداشت (WHO) جهانی تخمین زده می‌شود که در حدود ۳۱۴ میلیون نفر با انواع آسیب‌های بینائی (اعم از بیماری‌های چشمی و عیوب انکساری چشم) در سرتاسر جهان زندگی می‌کنند. از میان این جمعیت ۳۱۴ میلیون نفری، ۴۵ میلیون

۱. نباتی، نگار؛ همان، صص ۴۲ - ۴۰.

2 . Howard, Henry; **The Principles and Practice of Rehabilitation**, Lea and Febiger Publication, 1980, p. 140.

3 . نباتی، نگار؛ پیشین، ص ۴۳.

نفر نابینا و ۲۶۹ میلیون نفر کم بینا هستند، که متأسفانه ۹۰٪ این جمعیت در حال حاضر در کشورهای کم درآمد (در حال توسعه و یا توسعه نیافته) زندگی می‌کنند.

با توجه به توسعه و پیشرفت تکنولوژی جدید در عصر حاضر برآورد می‌شود که تا ۸۰٪ از مشکلات بینائی در سطح جهانی قابل اجتناب و یا قابل درمان هستند. خوشبختانه در سالیان اخیر مشارکتهای مؤثری در این زمینه صورت گرفته است که به عنوان مثال می‌توان به برنامه‌ی اتحاد اعضای سازمان بهداشت جهانی برای کاهش نابینائی ناشی از تراخم^۱ با چشم انداز حق بر بینائی در سال ۲۰۲۰، اشاره کرد.^۲ تلقی سازمان بهداشت جهانی از افراد دارای مشکلات بینائی بر مبنای میزان بینائی^۳ است. افراد با توجه به میزان حدت بینائی‌شان در ۳ گروه قرار می‌گیرند:

الف- کسانی که حدت بینائی‌شان $\frac{6}{6}$ تا $\frac{6}{18}$ می‌باشد در ردیف کسانی که بینائی طبیعی دارند، قرار گیرند.

ب- کسانی که حدت بینائی‌شان $\frac{6}{18}$ تا $\frac{30}{60}$ می‌باشد در ردیف کسانی که کم‌بینا هستند، قرار گیرند.

ج- کسانی که حدت بینائی‌شان $\frac{3}{6}$ و کمتر می‌باشد در ردیف نابینایان آموزشی و یا افراد کاملاً نابینا قرار گیرند.^۴

اشخاص دارای مشکلات بینائی ممکن است آسیب بینائی‌شان از دلایل مختلفی نشأت گرفته باشد از جمله مهمترین علل آسیب بینائی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱. تراخم یک بیماری مسری چشمی است که در اماکن پر گرد و خاک و کثیف پدید می‌آید. چنانچه این بیماری به سرعت معالجه نشود موجب کوری می‌شود.

2 . World Health Organization, **Action Plan for the Prevention of Avoidable Blindness and Visual Impairment 2009-2013**, WHO Press, p. 7.

3 . Visual Acuity

4. آرتر، کریستین؛ کودکان با آسیب بینائی و آموزش تلفیقی، ترجمه: محمد احمدپناه، تهران: نشر دانژه، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۶-۱۵.